

درگذشت منوچهر آریان پور، فرهنگ‌نویس و مترجم ایرانی



منوچهر آریان پور، فرهنگ‌نویس، مترجم و گردآوری‌کننده فرهنگ لغت آریان پور دوشنبه ششم دی، در ۹۲ سالگی در آمریکا

درگذشت به گزارش ایسنا، منوچهر آریان پور مؤسس مدرسه عالی ترجمه بود. او در سال ۱۳۰۸ در کاشان متولد شد و دکترای خود را از دانشگاه کلرادو در آمریکا دریافت کرد. منوچهر آریان پور در دهه ۱۳۵۰ با کمک دانشجویان و بعضی از استادان مدرسه عالی ترجمه، تالیف فرهنگ آریان پور را ادامه داد که نتیجه آن انتشار مجموعه‌ای از فرهنگ‌های لغات فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی بود. مجموعه کتاب‌های فرهنگ پیشرو آریان پور مشتمل بر فرهنگ‌های هفت جلدی انگلیسی به فارسی، چهار جلدی فارسی به انگلیسی، دو جلدی گسترده، یک جلدی فراگیر بعضی از آثار منتشر شده به وسیله منوچهر آریان پور است. آریان پور اموال موروثی خانوادگی و حق تالیف کتاب‌های خود را به دانشگاه کاشان اهدا کرده است. عباس کتابی، سرپرست دانشگاه کاشان در بیانیه‌ای به مناسبت درگذشت منوچهر آریان پور نوشت: «دکتر آریان پور علاوه بر آن که با فرهنگ‌های لغت و مطالعاتش در ریشه‌یابی لغات مشترک فرهنگ‌های هندواروپایی شناخته شده است، در اوج وطن‌دوستی و علاقه به ایران، همه‌آموخته‌ها و آندوخته‌های خودش را از رزنی مردم سرزمینش می‌دانست.»

دبیر فرهنگستان علوم منصوب شد



سوی رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم، رضا فرجی دانا به عنوان

«دبیر فرهنگستان علوم» منصوب شد. رضا فرجی دانا از سال ۱۳۸۷ عضو وابسته فرهنگستان علوم است. وی دارای دکترای تخصصی مهندسی برق و کامپیوتر از دانشگاه واترلو کانادا است و در حال حاضر استاد تمام پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران است. انتخاب طی حکمی از سوی دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر رضا فرجی دانا به عنوان «دبیر فرهنگستان علوم» منصوب شد. به نقل از فرهنگستان علوم، رضا فرجی دانا از سال ۱۳۸۷ عضو وابسته فرهنگستان علوم است. وی دارای دکترای تخصصی مهندسی برق و کامپیوتر از دانشگاه واترلو کانادا است و در حال حاضر استاد تمام پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران است.

نگاهی به دو نمایش؛ «فنس» در تبریز و «آدیداس» در مشهد

فصل گرم آن سوی مرکز



احسان زبور عالم

به امروز، تجربه دیدن نمایش در این دو شهر اما بیش از آنکه گواه بر افتراق باشد، دلالت بر شباهت دارد.

«فنس» عنوان نمایشی است که در تبریز مشاهده کردم. متن محمد رحمانیان روی صحنه در گام اول حامل نوعی حسرت بود. یکی از بهترین قصه‌گویان تئاتر ایران در دو دهه گذشته، با روایتی از طرفداری دیوانه‌وار یک خانواده از منجستر یونانی، این پرش را پدید می‌آورد چه بر سر رحمانیان آمد. متون چند سال اخیر او، تلفیقی از مونولوگ‌های غرق در باتلاق نوستالژی و همراهی ساز و آواز یک گروه موسیقی بوده است. دیدن «فنس» اما گواه بر توانایی بود که گویی تمایلی به تکرار نیست. متن رحمانیان با کارگردانی نازیلا ایران‌زاد، در کنار چند اجرای اخیر که از هنرمندان تبریزی در تهران دیدم، خبر از شکل و شمایل تئاتر برای جلب توجه مخاطب امروز دارد. نمایشنامه‌هایی قصه‌گو با توانایی اجرا در دکورهایی با ابعاد واقعی و باز نماینده

«آدیداس» مورد جذابی است. نمایشی کم‌حرف درباره تقابل دو نسل، یکی خود را معقول می‌پندارد و دیگری از سوی معقول، ودیگری فرض می‌شود. حالا همه چیز به یک جدال نسلی بدل می‌شود

اتحادشان نمی‌شود، شاید کنایه‌ای بر نامه تیم محبوبشان United به معنای «متحد» ولی همه چیز با یک مسورد عجیب در هم می‌ریزد. گویی انگلیسی بودن شخصیت‌ها منجر به نوشتاری می‌شود شبیه به متون ترجمه‌ای دهه پنجاه و شصت، چیزی شبیه ادبیات مترجمان شهپری چون هوشنگ حسامی که لحن متن شباهتی با لحن متداول فارسی‌زبانان ندارد. از همان الحانی که تامی شناسن می‌گویم «اوه اینا خارجین». از قضا این لحن در صنعت دوبله نیز جاری و ساری بود و شاید یک وسترن می‌توانست چنین لحنی را در هم شکنند. تماشا «فنس» با این لحن این پرش را مطرح می‌کرد اگر شخصیت‌ها به فارسی سلیس سخن بگویند چه می‌شود؟

تلاشی برای این مهم رخ نمی‌دهد. به نظر می‌رسد کارگردان تلاش کرده متن رحمانیان را زخمی نکند. همان دیالوگ‌ها، با همان مناسبات گفتاری روی صحنه اجرا شود و سختی

متن رحمانیان در «فنس» با کارگردانی نازیلا ایران‌زاد، در کنار چند اجرای اخیر که از هنرمندان تبریزی در تهران دیدم، خبر از شکل و شمایل تئاتر برای جلب توجه مخاطب امروز دارد

ماجرای زمانی است که بازی بازیگران هم به سمت اغراق پیش می‌رود، به خصوص برای برگ‌برنده نمایش، محمد فرشباف. چهره پرطرفدار اینستاگرامی تبریز، قرار است عامل فروش نمایش شود. تجربه نشست در یک سالن پر مخاطب گواه بر این استراتژی است؛ اما بازیگر اسیر و دربند زبان، مدام اغراق می‌کند؛ آن هم در آن فضای رئالیستی. وضعیت در مشهد متفاوت بود. رئالیسم «آدیداس» در راستای انهدام است. متن مهدی ضیاچمنی به کارگردانی پویا غازی، مواجهه پسر جوان با دایی میانسال عزب است. همه چیز هم گویی در رئالیسم پیچیده شده است. نزاع نسلی میان نیازها و خواست‌ها منجر به یک وضعیت رئال نمی‌شود، در عوض با ابزوردی مفرح روبه‌رو می‌شویم. با وجود تلاش برای ملموس کردن زبان شخصیت‌ها و صیقل زدن زبان برای رسیدن به تقابل زبان محاوره معمول و زبان زیرزمینی (Slang)، واقعیت را قلب می‌کند. فقدان دکور رئالیستی و حرکت به سوی مینیمالیسم در طراحی، چیزی جز خنده به امر غریب در بر ندارد. این همان چیزی است که «فنس» از آن عاری می‌شود. جایی که قرار است به یک کمدی شبیه به آثار درام‌نویسان دهه ۷۰ انگلیس شبیه باشد، توانایی خلق موقعیت پیدانمی‌کند و حتی از خودت می‌پرسی اگر به جای منجستر یونانی نام بر سولیس به میان می‌آمد، چه رخ می‌داد. «آدیداس» مورد جذابی است. نمایشی کم‌حرف درباره تقابل دو نسل، یکی خود را معقول می‌پندارد و دیگری از سوی معقول، نامعقول فرض می‌شود. حالا همه چیز به یک جدال نسلی بدل می‌شود. دایی نمی‌فهمد خواهر زاده‌اش چسرا در گیر روابطی نامتعارف است و رفقایش هر یک از



کشور هستیم؟ خود ما ممیزی را از همه بیشتر می‌شناسیم. بعد فیلمی که ما در ایران می‌سازیم صحنه ناچور ندارد که بخواهیم آن را درآوریم. به همین خاطر چادر جشنواره سینمایی و تخصصی باید فیلم را سانسور کنیم. در اکران عمومی این مسائل تازه قابل طرح است؛ به هر حال ما سال‌هاست که در این مملکت زندگی می‌کنیم و از کودکی با این ممیزی آشنا هستیم. فیلم‌ها مابه‌اندازه کافی بدون حرف و مسئله است و به همین دلیل من نمی‌فهمم که فیلم برای جشنواره یکبار ممیزی شود، برای اکران عمومی یکبار دیگر و برای نمایش خانگی هم یک ممیزی مجزا. به صورت کلی شرایط سینما در حال رفتن به سمتی است که قطعاً به نفع سینما نیست. از نظر خودتان فیلم شما به لحاظ محتوا و داستان در حد و اندازه‌های

فیلم را به جشنواره نخواهم داد. فیلم ما نسخه کامل و نهایی نبود اما گویا وقتی فیلم را دیدند، مسئله‌ای با فیلم داشتند و من هم طبق قول و قرار که از قبل گذاشته بودم عذرخواهی کردم و گفتم که ترجیح می‌دهم در این جشن حاضر نباشم. در واقع همان موقع که ما فیلم را تحویل جشنواره دادیم به ما اعلام کردند که باید پروانه نمایش بگیرد و من از این موضوع تعجب کردم. زمانی که این موضوع را مطرح کردند من تصور کردم که احتمالاً سختگیری‌ها قرار است امسال خیلی زیاد باشد. من همان جا گفتم که اگر قرار به سانسور باشد من حتی یک پلان هم از آن برای نمایش در جشنواره کم نخواهم کرد. این عزیزان احتمالاً ممیزی‌هایی روی فیلم داشتند که من هم راضی نشدم. حتی درباره ممیزی‌ها هم هیچ حرفی زده نشد زیرا من خیلی قبل‌تر اعلام کرده بودم که من فیلم را با این شرایط به جشنواره نخواهم داد.

به نظر می‌رسد نسبت به اینکه این رویداد جشن یا جشنواره است مسئله دارید؟

موضوع من از ابتدا با جشنواره موضوع موافقی نبوده است. این رویداد برای من همیشه یک گردهمایی و جشن سینمایی بوده است. این جشن مدعی جشن ملی ست ولی به باور من به سمتی رفته که دیگر جشن حزبی است نه جشن ملی. یک دورهمی و جشن فامیلی که

پرده نقره‌ای کارگردان فیلم «غریزه» مطرح کرد؛ جشنواره ملی فجر حزبی شده است

سیاوش اسعدی با بیان اینکه موضوع من از ابتدا با جشنواره موضوع موافقی نبوده و این رویداد برای من همیشه یک گردهمایی و جشن سینمایی بوده است گفت: جشنواره ملی فجر به جشنواره حزبی تبدیل شده است. به گزارش ایلنا، بعد از اعلام فیلم‌های برگزیده چهلمین جشنواره فیلم فجر توسط هیات انتخاب، فیلم‌های مطرح زیادی که پیش‌بینی می‌شد جزو آثار منتخب باشند، از جشنواره فجر بیرون ماندند. یکی از این فیلم‌ها غریزه به کارگردانی سیاوش اسعدی است که در دوره سی و هفتم با فیلم در خونگه در جشنواره حاضر شده بود. این کارگردان جوان سینما معتقد است با انتخاب‌ها و سیاستی که در این دوره بر جشنواره حاکم شده است، جشنواره فیلم فجر از صورت ملی به شکل حزبی درآمده است. در ادامه این گفتگوری خوانید.

اسامی فیلم‌های منتخب اعلام شد اما در بین ۲۲ فیلم نهایی نام فیلم شما وجود ندارد، دلیل اصلی این اتفاق چیست؟

خیلی ماجرا ساده بود. من همان اول که فیلم را برای جشنواره ارسال کردم به دلیل اینکه به من گفتند امسال شرایط متفاوت شده و فیلم‌ها اول باید برود ارشاد و پروانه بگیرد، بعداً ما آن‌ها را ببینیم و انتخاب کنیم، اعلام کردم که در صورت ممیزی با کمال احترام

علی رهبری در از میر روی صحنه می‌رود



علی رهبری - آهنگساز و رهبر ارکستر ایرانی - با کالرتینست آلمانی و ارکستر سمفونیک دولتی از میر روی صحنه خواهد رفت.

به گزارش ایسنا، بنا به دعوت مرکز فرهنگی و هنری احمد سایگون، علی رهبری آهنگساز و رهبر ارکستر بین‌المللی ایرانی برای دومین بار در پاندمی کرونا، جمعه ۱۷ دی ماه با کالرتینست مشهور آلمانی دایوید اورلوسکی و ارکستر سمفونیک دولتی از میر روی صحنه خواهد رفت. دایوید اورلوسکی نوازنده و آهنگساز برجسته آلمانی که سه‌بار در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ با جایزه مخصوص EchoKlassik آکو کلاسیک آلمان مورد تقدیر قرار گرفته تحصیلات خود را در آلمان و آمریکا فرا گرفته و در سن ۱۶ سالگی تروی اورلوسکی را تشکیل داده که توسط شرکت انتشارات سسونی در جهان شهرت خاصی پیدا کرده است. علی رهبری رهبر و مدیر هنری سابق ارکسترهای سمفونیک شهرهای بروکسل، پراگ، مالاگا، زارگ و تهران بعد از دریافت مدال طلای مسابقات جهانی رهبری ارکستر در فرانسه تاکنون به بیش از ۲۰ ارکستر جهان دعوت شده در ترکیه نیز بیش از ۲۵ سال با ارکسترهای سمفونیک دولتی استانبول، انکارا، آنتالیا و از میر همکاری داشته است.